



اصول فقه ۴ (حلقه ثالثه)

درس ۱۸

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای یاسر سعادت‌ی

پس از بررسی سه روایت صحیحیه بر حجیت استصحاب، در این درس به بررسی صحیحیه چهارم که راوی آن «عبدالله بن سنان» است می پردازیم. پس از تبیین این روایت، ظهور آن در قاعده استصحاب و چگونگی استفاده کبرای کلی استصحاب از این روایت بیان می گردد. بحث از ادله حجیت استصحاب در همین جا ختم گردیده و سپس به سیر اجمالی مباحث آتی بحث استصحاب اشاره ای می شود.

و هي رواية عبد الله بن سنان «قال: سأل أبي أبا عبد الله عليه السلام» و انا حاضر: اني أعير الذمي ثوبى و أنا أعلم انه يشرب الخمر و يأكل لحم الخنزير، فيرده على فاغسله قبل ان أصلى فيه. فقال أبو عبد الله عليه السلام: صل فيه و لا تغسله من أجل ذلك، فإنك أعرتة إياه و هو طاهر و لم تستيقن انه نجسه فلا بأس ان تصلى فيه حتى تستيقن انه نجسه».

و لا شك فى ظهور الرواية فى النظر إلى الاستصحاب لا قاعدة الطهارة، بقرينة أخذ الحالة السابقة فى مقام التعليل إذ قال فإنك أعرتة إياه و هو طاهر فتكون دالة على الاستصحاب. نعم لا عموم فى مدلولها اللفظى، و لكن لا يبعد التعميم باعتبار ورود فقرة الاستدلال مورد التعليل و انصراف فحواها إلى نفس الكبرى الاستصحابية المركوزة عرفاً.

هذا هو المهم من روايات الباب، و هو يكفى لإثبات كبرى الاستصحاب. و بعد إثبات هذه الكبرى يقع الكلام فى عدة مقامات، إذ نتكلم فى روح هذه الكبرى و نسخها من حيث كونها أمانةً أو أصلاً و كيفية الاستدلال بها، ثم فى أركانها، ثم فى مقدار و حدود ما يثبت بها من آثار، ثم فى سعة دائرة الكبرى و مدى شمولها لكل مورد، ثم فى جملة من التطبيقات التى وقع البحث العلمى فيها. فالبحت إذن يكون فى خمسة مقامات كما يلى.

بررسی دلالت صحیحۀ عبدالله بن سنان بر قاعدۀ استصحاب

موضوع این صحیحۀ دربارهٔ اعارةٔ ثوب به کافر ذمی می‌باشد، لذا این روایت به صحیحۀ «اعارةٔ ثوب به ذمی» معروف شده است. در این روایت، راوی که عبدالله بن سنان است نقل می‌کند: «من با پدرم محضر امام صادق (ع) بودیم که پدرم از امام (ع) سؤال کرد: من لباسم را به یک کافر ذمی عاریه می‌دهم، در حالی که می‌دانم آن کافر ذمی شراب می‌نوشد و گوشت خوک می‌خورد. سپس او لباس را به من بر می‌گرداند؛ حال با این اوصاف آیا لازم است برای نماز خواندن در این لباس، آن را بشویم؟

حضرت امام صادق (ع) می‌فرمایند: خیر، لازم نیست این لباس را بشویی و به همین حالت که تحویل گرفته‌ای در آن نماز بخوان و به خاطر این اعارة لازم نیست لباس شسته شود.

تعلیل امام (ع) برای این حکم: حضرت در مقام تعلیل این حکم می‌فرمایند: زیرا تو این لباس را در حالی که طاهر بود به ذمی عاریه داده‌ای و یقین نداری که ذمی آن را نجس کرده باشد؛ پس اشکالی ندارد که بدون شستن، در آن نماز بخوانی، تا وقتی یقین پیدا کنی که ذمی آن را نجس کرده است.

متن عربی و نکات تطبیقی

الرواية الرابعة (۱): و هی (۲) رواية عبد الله بن سنان «قال: سألت أبا عبد الله (۳) أنا حاضر: انی أعیر الذمی (۵) ثوبی (۶) و أنا أعلم انه (۸) يشرب الخمر و يأكل لحم الخنزير، فیرده (۹) علی فاغسله (۱۰) قبل ان أصلى فيه (۱۱).

۱. یعنی: روایت چهارمی که به آن بر حجیت استصحاب استدلال شده است.

۲. مرجع ضمیر: الروایتی الرابعه.

۳. فاعل «سأل».

۴. واو حالیه.

۵. مفعول اول «اعیر».

۶. مفعول دوم «اعیر».

۷. واو حالیه.

۸. مرجع ضمیر: الذمی.

۹. مرجع ضمیر فاعلی: الذمی. مرجع ضمیر مفعولی: ثوب.

۱۰. مرجع ضمیر مفعولی: ثوب. جمله خبریه در مقام استفهام می‌باشد؛ یعنی از این جمله خبریه اراده استفهام شده است.

۱۱. مرجع ضمیر: الثوب.

فقال أبو عبد الله (ع) صل فيه (۱) و لا تغسله (۲) من أجل ذلك (۳)، فإنك (۴) أعرتَه (۵) إياه (۶) و هو (۷) طاهر و لم تستيقن انه (۸) نجسه (۹) فلا بأس ان تصلى فيه حتى تستيقن انه نجسه.

۱ و ۲. مرجع ضمیر: ثوب.

۳. مشارئیه: اعارةٔ لباس به ذمی.

۴. تعلیل عدم وجوب شستن لباس.

۵. مرجع ضمیر: ثوب.

۶. مرجع ضمیر: ذمی.

۷. مرجع ضمیر: ثوب.

۸. مرجع ضمیر: ذمی.

۹. مرجع ضمیر فاعلی: ذمی؛ مرجع ضمیر مفعولی: ثوب.

ظهور صحیحۀ عبدالله بن سنان در قاعدۀ استصحاب

دربارۀ مورد این روایت و حکم به طهارت لباس در این حالت، دو قاعده ممکن است جاری باشد: یکی قاعدۀ اصالة الطهارة و دیگری استصحاب طهارت. اما در این روایت، امام (ع) حالت سابقه را در تعلیل حکم اخذ کرده‌اند و فرموده‌اند: «لأنک اعترته اياه و هو طاهر» که این اخذ حالت سابقه در تعلیل حکم، ظهور در استصحاب دارد؛ زیرا در قاعدۀ استصحاب است که حالت سابقه لحاظ می‌شود، نه در قاعدۀ طهارت.

متن عربی و نکات تطبیقی:

و لا شک فی ظهور الروایة (۱) فی النظر إلی الاستصحاب لا قاعدة الطهارة، بقرینة (۲) أخذ الحالة السابقة فی مقام التعلیل إذ (۳) قال (۴): «فإنک أعترته (۵) إياه (۶) و هو (۷) طاهر» فتکون (۸) دالة علی الاستصحاب.

۱. یعنی: صحیحۀ عبدالله بن سنان.

۲. متعلق جار و مجرور: ظهور، علت برای ظهور.

۳. این «إذ» می‌تواند ظرفیه باشد و معنای تعلیلی نیز برای آن قابل توجیه است.

۴. مرجع ضمیر: امام صادق (علیه السلام).

۵. مرجع ضمیر: ثوب.

۶. مرجع ضمیر: ذمی.

۷. مرجع ضمیر: ثوب.

۸. مرجع ضمیر: الروایة.

Sco^۱: ۰۸:۱۱

دلالت لفظی صحیحۀ عبدالله بن سنان بر استصحاب مختص به باب طهارات

در ابتدای بحث از ادله استصحاب گذشت که ما از این ادله به دنبال به دست آوردن یک استصحاب کلی هستیم که در تمام موارد فقه قابلیت اجراء داشته باشد، نه استصحاب جزئی که مختص به باب خاصی باشد. اما در این صحیحۀ عبدالله بن سنان هیچ‌گونه دلالت و قرینۀ لفظی وجود ندارد که دلالت بر عمومیت استصحاب نماید؛ بلکه استصحاب را فقط برای باب طهارت آن هم طهارت از خبث ثابت می‌کند؛ زیرا در این روایت مراد از یقین و شک همان یقین به طهارت و شک در آن می‌باشد؛ به خلاف صحیحۀ‌های قبلی که به خاطر وجود الف و لام بر سر یقین و شک، عمومیت یقین و شک از آن فهمیده می‌شد.

دلالت معنوی صحیحہ عبد اللہ به سنن بر کلیت استصحاب:

درست است که دلالت لفظی این صحیحہ فقط استصحاب مختصّ به باب طهارت را حجت می کند، اما در این روایت یک قرینه معنوی وجود دارد که کبرویت و کلیت استصحاب از آن استفاده می شود. این قرینه عبارت است از واقع شدن قاعده استصحاب در مقام تعلیل، که می توان گفت این فقره منصرف به همان استصحاب کلی - که در اذهان عقلا و عرف مرکوز هست - اشاره دارد؛ چون امام (ع) می خواهند از ذهنیت عقلایی و عرفی پدر عبد الله بن سنن استفاده نموده و او را به استصحابی که تمام ابناء عرف قبول دارند و در زندگی روزمره خود کم و بیش به کار می برند، ارجاع دهند. در درس های قبل گذشت که عرف، قاعده استصحاب را در تمام امور جاری می کند و آن را مختص به بابی دو ن باب دیگر نمی داند.

متن عربی و نکات تطبیقی

- نعم (۱) لا عموم فی مدلولها (۲) اللفظی، و لکن لا یبعد التعمیم (۳) باعتبار (۴) ورود فقره الاستدلال (۵) مورد التعلیل و انصراف فحواها (۶) إلى نفس الكبرى الاستصحابية المركوزة عرفاً.
۱. استدراک از دلالت صحیحہ ابن سنن بر استصحاب.
 ۲. مرجع ضمیر: الروایه؛ یعنی: صحیحہ عبد الله بن سنن.
 ۳. یعنی: تعمیم استصحاب مستفاد از این روایت، از قاعده طهارت به سایر موارد.
 ۴. متعلق جار و مجرور: لا یبعد.
 ۵. یعنی: فقره «فإنک أعرته إياه و هو ظاهر و لم تستیقن انه نجسه فلا بأس ان تصلى فيه حتی تستیقن انه نجسه».
 ۶. مرجع ضمیر: فقره الاستدلال.

Sco^۲: ۱۴:۰۰

بیان اجمالی فصل ها و مباحث مطرح شده در ادامه بحث استصحاب:

با بحث از ادله استصحاب، اجمالاً علم به حجیت استصحاب پیدا کردیم که برای مشخص شدن محدوده حجیت استصحاب و شرائط و ارکان آن نیاز است که طی پنج مرحله، بحث را ادامه دهیم. این پنج مرحله (مقام) عبارتند از:

مقام اول: چستی استصحاب از حیث اصل یا اماره بودن؛ در این مقام می خواهیم ببینیم، استصحاب اماره است یا اصل عملی.

مقام دوم: ارکان استصحاب؛ در این مقام می خواهیم ارکان استصحاب را که عبارتند از یقین به حدوث، شک در بقاء، و وحدت قضیه متیقنه و مشکوکه، تبیین نماییم.

مقام سوم: آثاری که می توان آن ها را با استصحاب ثابت نمود؛ در این مقام در پی این مطلب هستیم که آیا تمام لوازم شرعی و عقلی و عادی مستصحب با استصحاب ثابت می شود یا فقط آثار شرعی مستصحب به وسیله استصحاب ثابت می شود. به عبارت دیگر، استصحاب فقط توان این را دارد که آثار شرعی مستصحب را ثابت نماید، نه آثار عقلی و عادی آن را.

مقام چهارم: دایره شمول ادله حجیت استصحاب؛ در این مقام به بررسی این مسئله که ادله حجیت استصحاب، این قاعده را تا چه مقدار برای ما حجت نموده است، خواهیم پرداخت. آیا حجیت آن مختص به شک در رافع است و شک در مقتضی را شامل نمی شود - چنان که شیخ انصاری فرموده اند - یا ادله حجیت، این قاعده را فقط در شبهات موضوعیه حجت می کند، نه شبهات حکمیه - چنان که محقق خویی به آن قائل شده اند - یا این که ادله حجیت استصحاب این قاعده را به طور کلی و در تمام موارد حجت نموده است؟

مقام پنجم: تطبیقات قاعده استصحاب؛ در این مقام بحث می شود که آیا کبرای استصحاب بر چهار استصحاب خاص - که عبارتند از استصحاب حکم معلق، استصحاب عدم نسخ، استصحاب کلی و استصحاب جاری در موضوعات مرکب - منطبق هست یا نه؛ زیرا تطبیق قاعده استصحاب بر این موارد، مورد نزاع و اختلاف واقع شده است؛ لذا برای حل نزاع و روشن شدن مطلب، شهید صدر (ره) مبحثی را به نام «تطبیقات» - که از تطبیق استصحاب بر این موارد بحث می کند - در آخر بحث استصحاب مطرح نموده اند.

متن عربی و نکات تطبیقی

هذا (۱) هو المهم من روايات الباب (۲)، و هو (۳) يكفى لإثبات كبرى الاستصحاب. و بعد إثبات هذه الكبرى يقع الكلام في عدة (۴) مقامات، إذ نتكلم في روح هذه الكبرى و نسخها (۵) من حيث كونها (۶) أمانة أو أصلاً و كيفية (۷) الاستدلال بها (۸)، ۱. مشار إليه: این چهار صحیحهای که مطرح شد.

۲. یعنی: روایاتی که قابلیت استدلال بر حجیت استصحاب را دارند.

۳. مرجع ضمیر: این چهار صحیح مطرح شد.

۴. متعلق جار و مجرور: يقع.

۵ و ۶. مرجع ضمیر: هذه الكبرى.

۷. معطوف عليه: روح هذه الكبرى.

۸. مرجع ضمیر: هذه الكبرى.

ثم في أركانها (۱)، ثم في مقدار و حدود ما يثبت بها (۲) من آثار، ثم في سعة دائرة الكبرى و مدى شمولها (۳) لكل مورد، ثم في جملة (۴) من التطبيقات التي وقع البحث العلمي فيها (۵). فالبحث إذن يكون في خمسة مقامات كما يلي.

۱، ۲ و ۳. مرجع ضمیر: هذه الكبرى.

۴. متعلق جار و مجرور: يقع.

۵. مرجع ضمیر: التطبيقات.

Sco^۳: ۲۱:۱۵

چکیده

۱. صحیحۀ عبدالله بن سنان، ظهور در قاعده‌استصحاب دارد، نه قاعده طهارت؛ به قرینه اخذ یقین سابق در تعلیل امام (ع) در این روایت.
۲. از دلالت لفظی صحیحۀ عبدالله بن سنان، قاعده استصحاب به صورت جزئی - که مختص به باب طهارت از خبث هست - فهمیده می‌شود؛ لکن به کمک قرینه معنوی، اخذ این فقره در مقام تعلیل کبرای کلی استصحاب از آن قابل استفاده می‌باشد.
۳. بعد از اثبات حجیت اجمالی قاعده استصحاب، مباحث آن در پنج فصل و مقام ذیل ادامه می‌یابد:
مقام اول: چیستی استصحاب از حیث اصل یا اماره بودن.
مقام دوم: ارکان استصحاب.
مقام سوم: آثاری که استصحاب توان اثبات آنها را برای مستصحاب دارد.
مقام چهارم: دایره شمول ادله حجیت استصحاب.
مقام پنجم: جمله‌ای از تطبیقات قاعده استصحاب.